

امام صادق (علیه السلام) از دیدگاه ائمه اطهار و اعلام اهل سنت

<?xml encoding="UTF-8">



الحمد لله و كفى و سلام على عباد الذين اصطفى
قال الله تبارك و تعالى فى كتابه (قل لاسئلكم عليه اجرا الا المودة فى القربى)
«بگو ای پیامبر من از شما چیزی در برابر دعوتم جز دوستی نزدیکانم نمی طلبم»

مقدمه

سپاس و ستایش خداوند یکتا را سزد که وعدههایش همواره صادق بوده و هست و خواهد بود و سعادت و خوشبختی ابدی را در صداقت صادقان وعده فرموده و درود بر روان پاک و مطهر سرور کائنات حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآله) که اصدق الصادقین است و با به ارمغان آوردن صداقت، کذب را از اعماق سینه ها بیرون کشید و روح انسانی را در قالب صدق، با صفا و محبت آشنا ساخت. و درود بر اهل بیت (علیهم السلام) گرانقدرش که چون ذبیح الله صادقانه راه سعادت و نجات را در مدرسه عشق و وفا و دوستی و محبت و زهد و پارسایی به بشر آموختند.

درطول تاریخ بشر همواره کسانی بودهاند که پس از وفاتشان خلاء نبود آنها کاملاً حس شده است، اما اندیشمندان پس از آنها آن خلاء را بنوعی پرکردهاند، ولی کم هستند کسانی که پس از حیاتشان اندیشه خود آنها به کمک جامعه آمده و بر جامعه حاکم شود بگونه‌ای که اندیشمندان بعد از او پیرامون محور فکری او بیندیشند. و امام جعفر صادق (علیه السلام) یکی از معدود کسانی است که خلاء وجودی حضرتش را جز اندیشه های والا و بلند او نتوانسته است پر کند.

لذا او نه چون شمع است که از سوز و گدازش صحبت شود تا پروانه ها گرد آیند و نه چون خورشید است که از تابش نورش حرفی زده شود تا عوام راه جویند که او اظهر من الشمس است که پیران طریقت برای شناخت خود نیازمند مصاحبت وجود شریف اویند.

لذا لزوماً برای شناخت بهتر او بدنبال راهروان راه کمال که از راه پیمودن طریقه‌ی مقدسه‌ی سلوک حضرتش به

اوج قله سعادت دست یازیده‌اند و بهره‌وافر برده‌اند و در نهایت از بلندای آن قله عظیم، معرفت و عشق را درک کرده و اعتراف به بزرگی و عظمت شخصیت شریفش نموده‌اند طی طریق خواهیم نمود و در این رهگذر از زبان معترف سالکان طریقتش سخن خواهیم گفت.

و با استفاده از عنوان «**ما قاله الاعلام فی فضائل الامام الصادق (علیه السلام)**» ثمره نخل بارورش را بر تنگدستان خواهیم بخشید و با بر تن کردن جامه تقوی چون پاك باختگان، راه عزت و شرافت را خواهیم پیمود و تمام سعی و تلاش خود را در راه خدمت بخلق خدا بخاطر رضای حق تعالی بکار خواهیم گرفت و در این آشفته بازار محبت و صداقت را پسندیده و با قلبی مطمئن به مسیر آخرت قدم خواهیم گذاشت.

و اما از بزرگان علم و معرفت و محبان اهل بیت (علیهم السلام) زیادند کسانی که از محضر شریف حضرتش مستقیماً و یا غیر مستقیم بهره برده‌اند و درباره ایشان سخنها گفته‌اند و مقالات با ارزش به رشته تحریر کشیده‌اند ولی ما در اینجا باختصار از کتب اهل سنت بطور مستند و مستدل نظر تنی چند از اعلام ایشان را دربارهی آن حضرت (علیه السلام) ذکر می‌کنیم. یادشان زنده و روحشان شاد باد.

1 - امام مالك بن انس

محمد بن زیاد ازدی گفت: شنیدم که مالك بن انس میگوید بر جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) وارد شدم بگونه‌ای که زیاد از من قدرشناسی میکرد و میفرمود «ای مالك تو را دوست دارم و من از این بابت مسرور می‌گشتم و خدا را سپاس می‌گفتم و هیچگاه نشد که ایشان را ببینم مگر اینکه یا روزه داشتند و یا نماز می‌خواندند و یا مشغول به ذکر خداوند تبارک و تعالی بودند»
و نیز گفته‌اند: «هیچگاه ندیدم ایشان را مگر بر سه خصلت نیک یا نماز می‌خواند و یا روزه‌دار بود و یا به تلاوت قرآن مشغول بود و هیچگاه ایشان را بی‌وضو ندیدم» (1)

2 - امام ابوحنیفه

و ابوحنیفه فرموده است «فقیه تر از جعفر بن محمد بچشم ندیده‌ام» (2)

3 - امام شافعی

ابن حجر عسقلانی گفته است: اسحاق بن را هویه گفت به شافعی گفتم: جعفر بن محمد نزد تو چگونه است؟

شافعی گفت: «ثقة» (3)

یعنی «مورد اعتماد و اطمینان کامل من است»

4 - عمرو بن المقدام

ابونعیم اصفهانی در کتابش بنام حلیۃ الاولیاء از عمرو بن المقدام نقل میکند که گفت «كنت اذا نظرت الى جعفر بن محمد علمت انه من سلالة النبیین» یعنی «چون نگاه به جعفر بن محمد میکردم میدانستم که او از سلاله پیامبران است» (4)

5 - ابن حبان

و باز ابن حجر عسقلانی از قول ابن حبان درباره امام صادق (علیه السلام) میگوید:
ابن حبان گفته: «وی از سادات اهل بیت است که فقیه و علیم و فاضل بود و به سخنش نیازمند بودیم» (5)
و در روایت دیگری آمده است که وی تنها کسی بود که همه فقها و علما و فضلا محتاج و نیازمند سخنش بودند.

6 - ابوحاتم

و ذهبی در کتاب خود موسوم به تذکرة الحفاظ مینویسد قال ابوحاتم «ثقة لايسأل عن مثله» (6)
یعنی «امام صادق آنگونه مورد اطمینان است که از کسی همانند او سؤال نمیشود».

7 - ابن ابی حاتم

و در جای دیگر ابن حجر عسقلانی در کتاب تهذیب التهذیب از ابن ابی حاتم نقل میکند که گفت از قول پدرش:
(جعفر الصادق) ثقة لايسأل عنه. (7) یعنی: «امام جعفر صادق (علیه السلام) شخصیت مورد اطمینانی است که نیاز نیست درباره او از کسی پرسش شود»

8 - شهرستانی

وی در کتاب خود موسوم به الملل و النحل درباره عظمت و بزرگی حضرت صادق(علیه السلام) می نویسد: «وی به جهت شدة محبتی که به اُنس با خدا داشت، وحشت داشت که با مردم تماس داشته باشد و همواره از مردم دوری میگزید و معتقد بود هر کس با غیر از خدا مأنوس شد متوجه وسواس میشود.» (8)

9 - ابن حجر هیثمی

وی که یکی دیگر از مؤلفین بنام اهل سنت بشمار میآید در کتاب خود موسوم به الصواعق المحرقة موضوعی را در رابطه به اینکه شش فرزند از سلاله پاك محمد بن علی (علیهما السلام) بدنیا آمدند که افضل و کامل تر از همه آنها امام جعفر صادق (علیه السلام) بودند که پس از وی خلیفه و وصی ایشان شدند و مردم از علوم منتشره ایشان به تمامی شهرها سخن گفتهاند و پیشوایان بزرگی از او حدیث روایت کردهاند. (9)

10 - عبدالرحمن بن الجوزی

ابن جوزی که خود از عرفاء بنام اهل سنت میباشد و از مؤلفین مشهور جهان اسلام است در کتابش موسوم به صفة الصفوة مینویسد «کان (جعفر بن محمد) مشغولاً بالعبادة عن حب الرياسة» (10) یعنی: جعفر بن محمد شخصیتی بود که مشغولیت فراوانش به عبادت او را از عشق ریاست بازداشته و سیراب کرده بود.

11 - شبلنجی

ابن عارف بزرگ ربانی نیز که یکی دیگر از مؤلفین مشهور اهل سنت است در کتاب معروفش به اسم نورالابصار نوشته است: «کان جعفر الصادق (رضی الله عنه) مستجابالدعوة و اذا سأل الله شیئاً لم يتم قوله الا و هو بین یدیه» (11)

یعنی: جعفر صادق (رضی الله عنه) مستجاب الدعوه بود و دعایش همیشه مورد قبول حق تعالی واقع میشد و چون از خداوند چیزی میخواست هنوز قولش پایان نیافته بود چیز مورد نظر برایش مهیا بود.

12 - ابن خلکان

این مؤلف مشهور و بنام اهل سنت نیز در کتاب خود موسوم به وفیات الاعیان اظهار داشته است: «و کان من سادات اهل البيت و لقب بالصادق لصدقه فی مقاله... و کان تلمیذه ابوموسی جابر بن حیان الصوفی الطرسوسی قدألف کتاباً یشتمل علی ألف ورقة تتضمن رسائل جعفر الصادق وهی خمس مائة رسالة» (12) یعنی: حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) از سادات اهل بیت (علیهم السلام) بشمار میرود و بدلیل راستگویی در گفتارش ملقب به صادق شده است ... و ابوموسی جابر بن حیان یکی از شاگردان اوست که کتابی مشتمل بر هزار برگ تألیف نموده که متضمن رساله های امام جعفر صادق (علیه السلام) است که مقدار آنها به پانصد رساله میرسد.

13 - خیر الدین الزرکلی

وی یکی دیگر از مؤلفین بنام اهل سنت میباشد که تألیفات ارزشمندی را از خود به یادگار گذاشته است او در کتاب الاعلام درباره امام جعفر صادق (علیه السلام) نوشته: «کان من أجلاء التابعین و له منزلة رفيعة فی العلم. أخذ عنه جماعة، منهم الإمامان ابوحنيفة و مالك و لقب بالصادق لأنه لم يعرف عنه الكذب قط له اخبار مع الخلفاء من بنی العباس و کان جریئاً علیهم صداعاً بالحق» (13) یعنی: امام جعفر صادق (علیه السلام) از بزرگان تابعین بشمار میرود و در علم و دانش دارای منزلتی رفیع است و جماعت زیادی از او کسب علم کرده اند که از جمله آنها دو نفر از پیشوایان اهل سنت امام ابوحنیفه و امام مالک هستند و لقبشان صادق است بخاطر اینکه هرگز کسی از او کذب شنیده است و در خبرهای مربوط به او آمده است که وی برای اعتلاء حق پیوسته علیه خلفای بنی عباس در ستیز بوده و به مبارزه پرداخته است.

14 - محمد فرید وجدی

این نویسنده بنام نیز که یکی از اندیشمندان بزرگ اسلام و صاحب تألیفات متعددی میباشد در دائرة المعارف مشهور خود از امام جعفر صادق ((علیه السلام)) صحبت به میان آورده و بعنوان يك سنی مذهب مینویسد:

«ابوعبدالله جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین ابن الحسین بن علی ابن ابیطالب هو احد الأئمة الاثني عشر علی مذهب الامامية كان من سادات اهل البيت النبوی، لقب الصادق لصدقه فی كلامه كان من افاضل الناس» (14)

یعنی: ابوعبدالله جعفر الصادق فرزند محمد باقر فرزند علی زین العابدین فرزند حسین فرزند علی فرزند ابیطالب یکی از ائمه دوازده گانه مذهب امامیه است وی از سادات نبوی(صلی الله علیه وآله) میباشد و به دلیل صداقت در گفتارش به صادق ملقب شده است و یکی از بزرگان زمان خود در میان مردم است.

15 - ابو زهره

محمد ابوزهره از دیگر نویسندگان جهان اسلام و از اندیشمندان بنام در کتابی که به نام الامام الصادق به رشته تحریر کشیده است درباره حضرت مینویسد: «امام صادق(علیه السلام) در طول مدت زندگی پربركتش همیشه در طلب حق بود و هرگز پردهای از ریب و شك و تردید بر قلب او مشاهده نشد و کارهایش به مقتضیات کجاندیشی سیاستمداران زمانش رنگ نباخت و لذا هنگامی که رحلت فرمود عالم اسلامی فقدان او را كاملاً حس کرد زیرا که یاد او هر زبانی را عطرآگین میساخت و همه علماء و اندیشمندان بر فضل او اجماعاً معترفند» و اضافه میکند «علماء اسلام در هیچ مسألهای آنگونه که بر فضل امام صادق و دانش او اجماع نمودهاند علیرغم اختلاف طوائفشان در امری به این شکل اجماع نمودهاند و تعداد زیادی از ائمه اهل سنت هستند که معاصر با ایشان بودند و هم عصر با ایشان زیسته و از محضر مبارکشان فیض بردهاند و بدین سان وی به پیشوایی علمی زمانش كاملاً شایسته بوده همچنانکه این شایستگی را قبل از او پدر و جدش و نیز عمویش زید رضی الله عنهم اجمعین داشتهاند. و همه پیشوایان راه هدایت به آنها اقتداء نموده و از حرفهای آنها اقتباس نمودهاند» (15)

16 - ابن الصباغ مالکی

این نویسنده نامدار اهل سنت نیز که در کتاب خود بنام الفصول المهمة در ارتباط با مناقب امام جعفر صادق (علیه السلام) مطالب قابل توجهی را ذکر نموده است در این باره مینویسد: «مناقب جعفر الصادق (علیه السلام) فاضلة أو صفاته فی الشرف كاملة، و شرفه علی جبهات الأيام سائلة، و أندية المجد و الغر بمفاخره و مآثره أهلة» (16)

17 - عبدالله بن شبرمة

ابونعیم اصفهانی در کتاب معروفش بنام حلیۃ الأولیاء بنقل از ابن شبرمة در باب احتجاج امام صادق(علیه السلام) مینویسد: «امام جعفر به هنگامی که من و ابوحنیفه به محضر ایشان وارد شدیم به ابن ابی لیلی فرمودند چه کسی با شماست؟ پس از معرفی ابوحنیفه (رضی الله عنه) بین امام جعفر الصادق(علیه السلام) و ابوحنیفه سؤالاتی رد و بدل شد و در قسمتی از آن سؤالات امام جعفر صادق(علیه السلام) به ابوحنیفه گفت: «کدامیک از جهت کیفر و عقاب عظیمتر است؟ آدم کشی یا زنا؟» ابوحنیفه جواب داد: آدم کشی. امام فرمود: «پس به درستی که خداوند عزّ و جلّ شهادت دو نفر در آدمکشی پذیرفته و در زنا نپذیرفته مگر اینکه چهار نفر باشند، سپس گفت: «کدامیک از این دو عبادت عظیمترند. نماز یا روزه؟» ابوحنیفه جواب داد: نماز. فرمود: «پس چگونه است که حائض قضای روزه دارد اما نمازهایش قضا نمیشود!» لذا بصراحت ابوحنیفه را از قیاس دین با رأی خودش بازداشت و فرمود: «از خدا بترس و دین را به رأیت قیاس مکن» (17)

و باز ابونعیم اصفهانی در همین کتاب به نقل از ابن بسطام مینویسد: «کان جعفر بن محمد یطعم حتی لایبقی لعیاله شیء» (18) یعنی: جعفر بن محمد به هنگام اطعام، فقیران را به گونهای طعام میداد که چیزی برای خانواده‌هاش باقی نمیگذاشت.

و در جلد سوم این کتاب در صفحه 198 نوشته است: تعداد زیادی از تابعین از امام صادق (علیه السلام) حدیث روایت نموده‌اند که از میان آنها میتوان یحیی بن سعید الأنصاری، و ایوب سختیانی و أبان بن تغلب و ابوعمر بن المعلاء و یزید بن عبدالله بن بن الهاد را نام برد.

مضافاً اینکه ائمه و أعلام اهل سنت مانند مالک بن انس و شعبۃ بن الحجاج و سفیان ثوری و ابن جریر و عبدالله بن عمر و روح بن القاسم و سفیان بن عیینة و سلیمان بن بلال و اسماعیل بن جعفر و حاتم بن اسماعیل و عبدالعزیز بن مختار و وهب بن خالد و مسلم بن حجاج نیز از ایشان حدیث روایت نموده‌اند. وی به گونهای که ذهبی در کتاب تذکرة الحفاظ یاد کرده است فرزند محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب(علیهم السلام) است. و از قبیلۃ بنی‌هاشم است. روز یکشنبه و بنا به روایت دیگری روز دوشنبه در حالی که سیزده شب از ماه ربیع‌الاول باقی بود در سال 83 هجری در مدینه منوره دیده به جهان گشود و همزمان با روز ولادت رسول اعظم حضرت محمد بن عبدالله(صلی الله علیه وآله) می‌باشد و در سال 148 هجری در سن 68 سالگی بدست منصور دوانیقی به شهادت رسیده و به دیار باقی شتافتند و در جنة البقیع در کنار قبری که پدر بزرگوارشان امام باقر(علیه السلام) و جدشان امام علی زین العابدین(علیه السلام) قرار داشتند مدفون گردیدند.

پی نوشتها :

1 - تهذیب التهذیب ج2 ص 104 ابن حجر عسقلانی.

2 - تذکرة الحفاظ، ج 1، ص 166

- 3- تهذيب التهذيب، ج 2، ص 103
- 4 - حلية الاولياء، ج 3، ص 193
- 5 - تهذيب التهذيب، ج 2، ص 104
- 6 - تذكرة الحفاظ، ج 1، ص 166
- 7 - تهذيب التهذيب، ج 2، ص 103
- 8 - الملل و النحل، ج 1، ص 166.
- 9 - ابن حجر هيثمى: الصواعق المحرقة، ص 120
- 10- صفة الصفوة، ج 2، ص 168، رقم 186
- 11 - نورالابصار، ص 170
- 12 - وفيات الأعيان، ج 1، ص 291
- 13 - الاعلام، ج 2، ص 121
- 14 - دائرة المعارف، ج 3، ص 109
- 15 - الإمام الصادق، ص 65 و 68
- 16 - الفصول المهمة، ص 230
- 17 - حلية الأولياء، ج 3، ص 196
- 18 - حلية الأولياء، ج 3، ص 194